

نگاهی به کتاب رنجین کمان نوشته غلامرضا طریقی

به همه انسان‌ها توصیه می‌کنم



محمدکاظم کاظمی

شاعرو پژوهشگر

رنجین کمان
۲۵ روایت از عشق، رنج و شکیبایی
غلامرضا طریقی
چاپ اول، نشر جام جم
۲۷۹ صفحه، رقعی

غلامرضا طریقی را پیش از این با شعرهایش می‌شناختیم. ولی کتاب رنجین کمان ما را با ناهیه‌ای پنهان از ذهن و زبان این شاعر توانا (و البته نویسنده توانا) هدایت می‌کند. این کتاب ۲۵ روایت در خود دارد از انسان‌هایی که هر کدام تجربه‌ای و قصه‌ای متفاوت دارند. اما این قصه‌ها دو ویژگی دارند؛ یکی این که واقعی هستند، با این که گاهی سخت شگفت‌آور و حتی گاه باورناپذیر می‌نمایند. شاید بدین واسطه که اینها همه قصه انسان‌هایند و انسان موجودی است که گاهی از او کارهایی باورناپذیر سر می‌زند یا در موقعیت‌های باورناپذیر قرار می‌گیرد. اما گفتیم «انسان». بله، ویژگی دیگر این روایت‌ها این است که همه روایت‌هایی از انسان‌هایند؛ انسان‌هایی گوناگون که نویسنده بازی با حکایت زندگی‌شان آشنا شده است.

این‌ها معمولا انسان‌های مشهوری نیستند. نه شاعر و نویسنده و هنرمند مشهوری‌اند نه از مقامات مملکتی‌اند، نه از علما و اولیا و اوصیا. انسان‌هایی‌اند که شاید فقط در همین روایت‌های غلامرضا طریقی سر برآورده باشند و بعد هم در گرد و غبار زمانه ناپدید شود و جز این کتاب، هیچ‌کس روایتی از آنها نشود. ولی بعضی از اینها در این کتاب موقعیتی در حد یک قهرمان می‌یابند، همچون «غلام‌علی» در روایت «مجنون در سجاج» یا «خاله لیلا» در روایت «مادر شهر» یا «مدلی» در روایت «پالایی».

ولی در این میان موضوعی که مهم است این است که این آدم‌ها هیچ‌کدام آنقدر یا ما فاصله ندارند که خود را قادر به تشبیه به آنان نپنداریم. انسان‌هایی معمولی‌اند که یا زمانه با آنها بازی از شگفت کرده یا خودشان زمانه را مسخر اراده خود ساخته‌اند.

در هر حال کسی که این کتاب را می‌خواند می‌تواند میان آدم‌های این روایت‌ها و خودش تا حدودی همذات‌پنداری کند و از هر کدام از این قصه‌ها چیزی برای کمال روحی و معنوی خویش بردارد. خیلی از ما می‌توانیم آن سرهنگ روایت «قهرمان سرهنگ» باشیم که یک زندگی از هم پاشیده را دوباره سر و سامان می‌دهد.

ما توان و امکانات نداریم؛ حتی امکانات خاله لیلا را هم نداریم که به «مادر یک شهر» بدل می‌شود با یک اقدام نیک؛ با امکانات صمد را هم نداریم در خدمت‌رسانی به یک پیرزن مسافر از قاطر جامانده؟

واقعیت این است که این ماجراهای شگفت و در عین حال واقعی و طبیعی، در زندگی ما هم جریان دارند و ما کافی است اندکی چشم بگشاییم، همدیگر را دریابیم و موقعیت‌های همدیگر را بشناسیم. آنگاه اگر کارمند یک بانک بودیم، یا قادر روایت «پیش‌انداز» آن‌گونه برخورد نمی‌کنیم.

باری، من وقتی کتابی را به کسی توصیه می‌کنم می‌گویم همه کسانی که در این موقعیت هستند، این کتاب را بخوانند. مثلا می‌گویم همه کسانی که به زبان و ادبیات فارسی علاقه دارند، فلان کتاب را بخوانند؛ همه مسؤولان فرهنگی مملکت فلان کتاب را بخوانند؛ همه مهاجران دور از وطن فلان کتاب را بخوانند.

ولی در مورد کتاب رنجین کمان می‌شود به همه انسان‌ها توصیه کرد آن را بخوانند، چون انسان بودن کافی است برای این که از صفحه صفحه این کتاب چیزی یاد بگیریم برای زیست بهتر یا بقیه انسان‌ها و برای درک بهتر از انسان‌هایی که در اطراف ما هستند.

و سخن آخر این- که من در حوزه داستان‌نویسی تخصصی ندارم ولی داستان بسیار خوانده‌ام و بسیاری از عناصر داستانی را در این روایت‌ها یافته‌ام به اضافه نثری جذاب و روان و مؤثر. تا حدی که اگر این کتاب نام «روایت» بر خود نمی‌داشت و روایت‌هایش واقعی نبود، آن می‌شد یک مجموعه داستان کوتاه عالی هم قلمداد کرد، یا لاقال بخش مهمی از آن را.



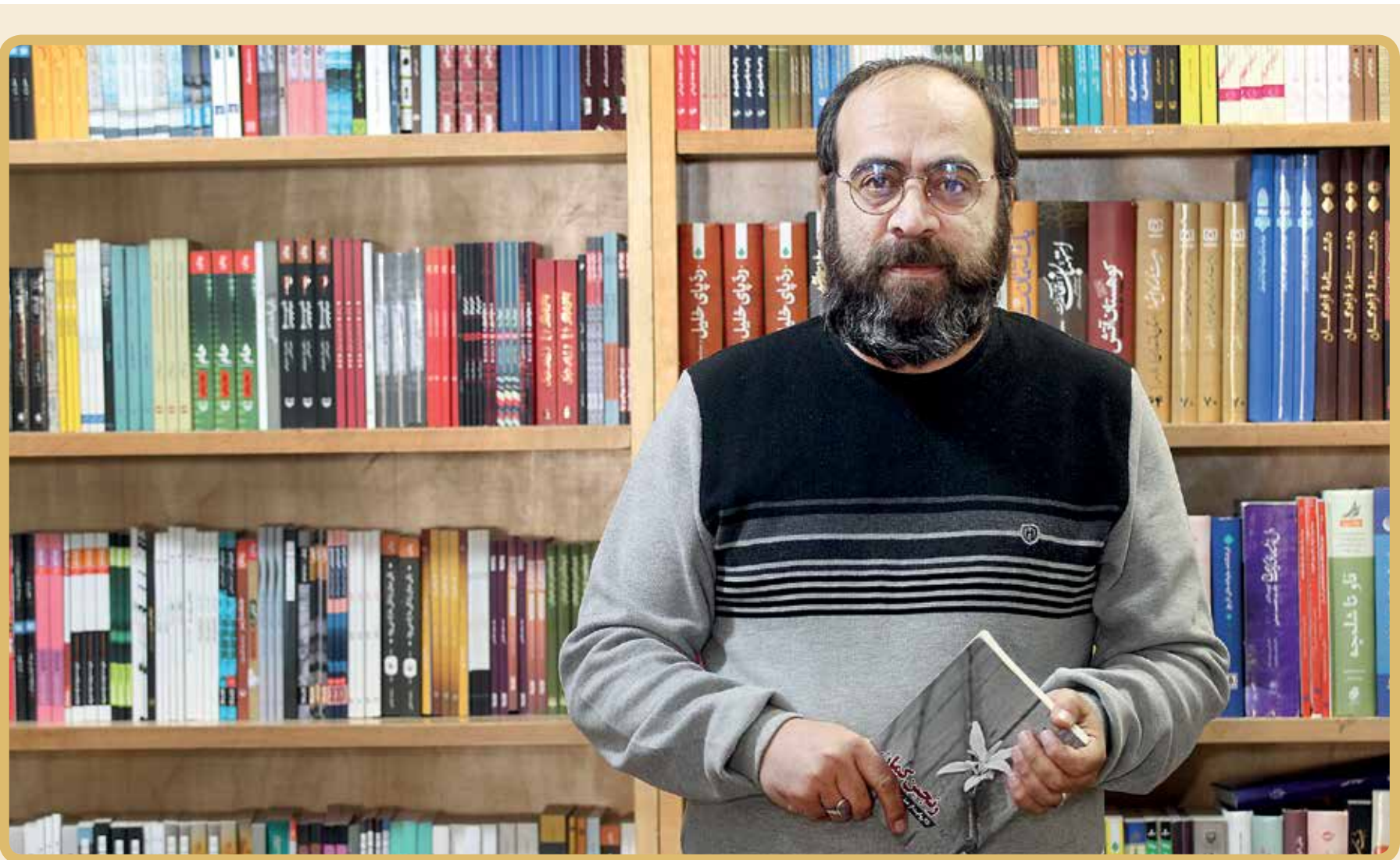
افزایش استقبال از جایزه ادبی جلال آل احمد

مریم بصیری، دبیر علمی چهاردهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در گفت‌وگو با ایبنا گفت: در گروه‌های داستان کوتاه و داستان بلند و رمان تعداد آثار به نسبت سال قبل بیشتر و در عین حال تعداد آثار گروه‌های نقد ادبی و مستندنگاری کمتر شده است. در گروه داستان بلند و رمان ۹۱۰ عنوان، در گروه داستان کوتاه ۲۶۰ عنوان، در گروه مستندنگاری ۳۶۱ عنوان و در گروه نقد ادبی ۴۸ عنوان کتاب به دبیرخانه رسیده‌است.



نوبت رایگان سینماها به یاد «حاج قاسم»

در جلسه شورای صنفی نمایش مقرر شد سینماها به مناسبت شهادت حاج قاسم سلیمانی یک نوبت ویژه را به‌صورت رایگان به اکران فیلم‌های مرتبط با مقاومت اختصاص دهند. این امر به دنبال اعلام آمادگی این شورا و انجمن سینماداران به تصویب رسید. همچنین در این جلسه مصوب شد فیلم سینمایی «عطر تلخ» به کارگردانی علی ابراهیمی و «ازدواج جنجالی» به کارگردانی اصغر نصیری از از ۸ دی به سینماها بیاید.



گفت‌وگو با غلامرضا طریقی، نویسنده کتاب «رنجین کمان» که به‌تازگی در انتشارات جام جم منتشر شده است

روایت قهرمانان رنج و شکیبایی

روایت را خیلی اتفاقی شروع کردم؛ سال ۱۳۹۶ مسعود دبیانی از من خواست از سفری که می‌روم، روایتی برای مجله‌اش بنویسم و من هم نوشتم. او معتقد بود من فقط سفرنویسی نکرده‌ام و آن بخش‌هایی که از سفر بیرون زده و چیزهای دیگری نوشته بودم، جذاب‌تر بوده‌است. کمی بعدتر چند نفر دیگر هم از من خواستند بنویسم؛ آرش صادق‌بیگی در مجله داستان همشهری از من خواست یک روایت بنویسم و نیز برای کتاب رستاخیر خانم نفیسه مرشدزاده هم یک روایت از دوران کودکی‌ام نوشتم درباره عزاداری‌های زنجان. بعد از اینها در مجله کرگدن، سه‌نقطه هم نوشتم اما همچنان نوشتن برایم جدی نبود تا این‌که از نشر جام جم پیشنهاد شد مجموعه‌ای از این روایت‌ها را در قالب کتاب منتشر کنیم. بعد از گفت‌وگو با آقای مهدی قزلی به این نتیجه رسیدیم که یک مجموعه پراکنده از چیزهای مختلف تحویل مخاطب ندهیم که هر روایت قبلا به دلیلی نوشته شده‌است. آقای قزلی یک نکته ظریف هم مطرح کردند و به من گفتند: وقتی درباره آدم‌ها می‌نویسی موفق‌تر از زمانی هستی که درباره موقعیت‌ها یا موارد دیگر می‌نویسی. در نتیجه روایت‌های نوشته و نانوشته‌ام درباره آدم‌ها را فهرست کردم و در نهایت به روایت‌هایی درباره آدم‌های معمولی رسیدیم که هر کدام‌شان تجربه خاصی را از سر گذرانده بودند. آدم‌هایی که شاید ما به‌سادگی از کنارشان عبور کنیم و هیچ توجهی به آنها نداشته باشیم.

از همان ابتدا ۲۵ نفر را فهرست کرده بودید؟

هم فهرست اولیه بلندتر بود و هم روایت‌های بیشتری نوشته بودم اما تعدادی از آنها را حذف کردیم. حتی در آخرین لحظه که کتاب می‌رفت برای اخذ مجوز، به ۲۸ روایت رسیده بودیم اما از من خواسته شد روی سه روایت بیشتر کار کنم ولی من دیگر خسته شده بودم، در نتیجه سه روایت را از این مجموعه درآوردیم شاید وقتی دیگر در جای دیگری از آنها استفاده کنم.

روایت‌های شما کاملا داستانی نوشته شده‌اند؛ شروع و پایان دارند، نقطه عطف واضح و فرود. به نظر می‌آید داستان دور هستند و

دارم که فارغ از موفق یا ناموفق شدن، بتوانم یک مجموعه داستان کوتاه بنویسم.

اصلا چه شد بعد از سال‌ها شاعری تصمیم گرفتید روایت بنویسید؟

اتفاقی بود. بدون تردید من بعد از آشنایی با آدم‌هایی که داستان آنها را نوشته‌ام، دچار احساساتی شده‌ام و شعری برای این افراد سروده‌ام و چه بسا الان بتوانم به‌راحتی بگویم برای هرکدام از این آدم‌ها کدام شعر را سروده‌ام اما شعر، این افراد را به‌طور دقیق معرفی نمی‌کند. ماهیت و خاصیت شعر این است که نمادپردازی می‌کند و از جزئیات فاصله می‌گیرد. وقتی قرار است درباره کسی شعری بگویم باید دوربینم را کمی عقب بکشم، آن فرد را به‌عنوان نماد یک گروه از انسان‌ها درنظر بگیرم و بعد درباره این گروه بنویسم. شعر نمی‌تواند آنقدر جزئی‌نگر باشد که تمامی آن فرد را توصیف کند. می‌شود کودک دستفروشی را پشت چراغ قرمز دید و تحت‌تأثیر احساسات قرار گرفت اما نمی‌توان نوشت: ای کودک ۸ ساله‌ای که گل می‌فروشی پشت چراغ قرمز خیابان فلان شهر تهران. این همه توضیح نمی‌تواند شعر باشد، فقط بخشی را می‌توان در شعر روایت کرد و نه تمام آن کودک را. در نتیجه همیشه این وسوسه وجود داشته که بخواهم تمامی داستان آن کسی را که دیده‌ام، روایت کنم اما هرگز فکر نکرده بودم که خودم نثر بنویسم، چون به اندازه‌ای که بتوانم برای نوشتن مستمر برنامه‌ریزی کنم، منظم نیستم. شعر اگر می‌گویم برای این است که شعر به‌صورت شهودی و اشراقی است و یک‌باره عارض می‌شود. مساله دیگری که وجود داشت این بود که ساحت شعر به‌قدری وجود و زندگی شاعر را پر می‌کند که دیگر نه فراغتی می‌ماند و نه احساس نیازی برای نوشتن در قالبی دیگر چون روح ارضا می‌شود.

با این همه چه شد که وسوسه نوشتن نثر مرا به میانه میدان کشاند بر می‌گردد به این‌که یکی از علایق و ویژه‌ام خواندن رمان و داستان بوده‌است و بدون اغراق بیشتر از آن‌که شعر خوانده باشم، رمان و داستان خوانده‌ام و در نهایت نوشتن

همه روایت‌های «رنجین کمان» واقعی هستند و شما داستان ننوشته‌اید. درست است؟

بله. این کتاب مجموعه ناداستان است؛ به این معنا که روایت‌هایی از آدم‌های واقعی ارائه کرده‌ام که در طول زندگی با آنها مواجه شده‌ام؛ خیلی از آدم‌های این کتاب در قید حیات هستند، برخی از بستگان من هستند و همه آنها را در طول زندگی دیده‌ام.

در برخی از روایت‌ها خودتان حضور دارید و برخی دیگر را نگار برایتان تعریف کرده‌اند؟

بله. این دسته کسانی هستند که من در طول زندگی با آنها مواجه شده‌ام اما زمانی با آنها ملاقات کرده‌ام که داستان زندگی آنها اتفاق افتاده و تمام شده بود؛ مثلا با صغری جایی آشنا شدم که رنجور و خسته و شکسته بوده، فرزندش تصادف کرده و از دنیا رفته بود اما بعدها تمام داستانش را برایم تعریف کرد. در واقع همه زندگی شخصیت‌های قصه‌ام را نمی‌دانستم و در تمام ماجراها حضور نداشته‌ام.

مستند بودن داستان‌ها را چقدر حفظ کرده‌اید؟

من به‌عنوان شاعر درگیر داستان زندگی آدم‌ها می‌شوم؛ این خُسن‌ها و نیز بدی‌هایی دارد. خُسنش این است که می‌توانم به دنیای آدم‌های مختلف راه پیدا کنم و بدی‌هایی دارد از جمله این‌که ذهن و عواطف مدت‌ها درگیر می‌شود. طبیعی است که برای من آن فرد و ماجرابی که براو گذشته آن قدر اهمیت دارد که تبدیل شدن داستان این آدم‌ها به ادبیات در وهله دوم قرار می‌گیرد. با این دیدگاه، مستند بودن برای من بسیار مهم است و به خودم اجازه نداده‌ام تغییری در داستان‌ها ایجاد کنم مگر برخی اسامی را با این احتیاط که برای شخصیت داستانم مساله‌ای ایجاد نشود یا در برخی موارد خودشان نخواسته‌اند که اسم‌شان در قصه گفته شود. من به تکتک آدم‌هایی که درباره‌شان نوشته‌ام به جز افرادی مثل رفعت یا شکور که دیگر بین ما نیستند به‌طور ضمنی اطلاع دادم که می‌خواهم داستان‌شان را بنویسم. واقعیت این است که اگر قرار نبود به مستندات وفادار نباشم، داستان می‌نوشتم و به‌قدری ایده



آذر مهجار

ادبیات و هنر

عشق و رنج و شکیبایی بعضی آدم‌ها، بالاخره غلامرضا طریقی را بعد از سال‌ها شاعری، به نوشتن نثر واداشت و حاصل این تسلیم و تلاش، کتابی است به نام «رنجین کمان» شامل ۲۵ روایت از زندگی آدم‌هایی که طریقی در طول عمر چهل واندی سال‌هاش با آنها مواجه شده یا داستان زندگی آنها را شنیده است. این اولین کتاب نثر از غلامرضا طریقی است که در کنار مجموعه‌های شعرش از جمله «جهان غزلی عاشقانه است»، «هر لب‌ت یک کبوتر سرخ است»، «آکوارיום»، «بازار اگر بیبار»، «به جهنم»، «ایمان بی‌اوربیده تمذید فصل سرد»، «آنقدر پرم از تو که کم مانده بیارم»، «با یاد شانه‌های تو» و «سفید تو، سیاه من» کارنامه حرفه‌ای او را شکل می‌دهد؛ به‌علاوه این‌که طریقی از شاگردان و دوستان حسین منزوی بوده، همچنین سرپرست دفتر گسترش شعر و ادبیات داستانی است و تا امروز مسؤولیت‌های متعددی داشته و در رقابت‌ها و جشنواره‌های متعددی برگزیده شده است. از این همه اطلاعات درباره طریقی، برای این گفت‌وگو و شنیدن درباره کتاب «رنجین کمان» همین جمله بس که غلامرضا طریقی شاعر و متولد ۱۳۵۶ در شهر زنجان است؛ این جمله کوتاه درباره کتاب «رنجین کمان»؛ سؤالات بسیاری را ایجاد می‌کند که در این گفت‌وگو به آنها پرداخته ایم.

گالری آریا به مدت سه هفته میزبان نمایشگاه گروهی «کس» (انقلاب؛ پوشه سوم) خواهد بود. «انقلاب؛ پوشه سوم»، سومین پوشه از سری مجموعه‌های خیابان‌های تهران است. دو پوشه قبلی با عنوان «ولیعصر؛ پوشه اول» و «شریعتی؛ پوشه دوم» در سال‌های ۹۷ و ۹۸ به نمایش درآمده‌اند.

رامیار منوچهرزاده، نمایشگاه‌گردان این رویداد درباره آن چنین نوشته است: انقلاب؛ پوشه سوم، سومین نمایشگاه از سه‌گانه خیابان‌های مطرح تهران بوده که تلاش داشت در یک بازه زمانی چند ساله، پیوندی میان شهر و هنرمندان به خصوص نسل جدید و شاید تازه‌نفس به وجود آورد. با این حال در این چهار سال و این

سه پروژه، امکانی فراهم شد تا دوباره به شهر بپردازیم. افتتاحیه این نمایشگاه، با یک سال تاخیر و گذر از پیک پاندمی کرونا، جمعه ۱۵ دی‌ماه در گالری آریا برگزار می‌شود و تا جمعه اول بهمن ادامه دارد. هنرمندان این پوشه نگیب فیروزی، سبا صفایی، نگار محسنی، هدیه خزائی، ثنا احمدی‌زاده، فرزانه رضایی، یارمیس حکیمی، کاوه زهدی، عرفانه روزگرد، گلناز زبینه‌خو، امیرهادی شیرازی، یاسمین وفایی، سحر خزائی، امین وزیری، امیربهادر بیات و مهران خوشنویس هستند. علاقه‌مندان می‌توانند هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به گالری آریا به نشانی خیابان ولی‌عصر، بالاتر از سه‌راه دکتر بهشتی، کوی زرین، پلاک ۱۰ مراجعه‌کنند.



نگاهی متفاوت به خیابان انقلاب در گالری آریا

«سینه ما رکس» در سینماهای

هنر و تجربه

سینماهای هنر و تجربه از دیروز میزبان مستند «سینه ما رکس» به کارگردانی میترا مهترین و صادق دهقان شده است.

مستند سینه‌ما رکس که محصول سال ۹۹ است و به قربانیان حادثه سینما رکس آبادان می‌پردازد، به سراغ خانواده‌هایی رفته که در این اتفاق، عزیزی را از دست داده یا به صورت غیرمستقیم متأثر شده و آسیب روحی دیده‌اند.

عوامل سینه‌ما رکس عبارتند از: نویسنده و کارگردان؛ میترا مهترین و صادق دهقان، پژوهش؛ میترا مهترین، تصویر؛ صادق دهقان، میترا مهترین، افشین خسروآبادی و عماد سلمانیان، دستیار تصویر؛ میلاد جعفری، تدوین؛ صادق دهقان، صدابرداری؛ ایمان لطیفیان و فرهاد عمویی تبریزی، صداگذاری؛ گیسو آزادروش و تهیه‌کننده؛ میترا مهترین با حمایت منطقه آزاد اروند.